

شهید هزیمه در کنار شهید سید حسن نصرالله



زندگی و شهادت فرمانده شهید حسین‌علی هزیمه مسئول ستاد اطلاعات حزب‌الله

در گفت‌وگو با دختر شهید

پدرم جنگ را انتخاب نکرد رسالتش را دنبال کرد

■ اسراء حمادی، خبرنگار روزنامه «جوان» از لبنان

شهید حسین علی هزیمه معروف به حاج‌مر تفضی سه دهه تحت تعقیب رژیم اشغالگر بود و کارنامه‌اش آکنده از زخم، اسارت و عملیات‌هایی بود که معادلات منطقه را تغییر می‌داد. دختر این فرمانده شهید، تصویری نزدیک و هم‌زمان تحلیلی از پدری ارائه می‌کند که زیستش میان راز، مدیریت اطلاعات و فرماندهی می‌گذشت. فرمانده‌ای که از نوارهای مرزی تا سواحل و عمق میادین جنگ، میراثی پیچیده و تأثیرگذار بر جای گذاشت. حاج‌مر تفضی نهایتاً در مهر سال گذشته در بمباران صهیونیست‌ها در کنار سیدهاشم صفی‌الدین دبیر کل حزب‌الله لبنان به شهادت رسید. متن زیر در گفت‌وگو با آیه هزیمه، دختر این شهید تهیه شده است.

ضمن اشاره مختصر به زندگی پدر شهید تان بگوئید چگونه شهادت شهید حاج‌مر تفضی توانست نه تنها به دست دادن یک فرمانده نظامی، بلکه به تولدی دوباره برای روح مقاومت تبدیل شود و نسل‌های مجاهدان را در سراسر جهان الهام‌بخش کند؟

پدر شهید در سال ۱۹۶۷ در بیروت چشم به جهان گشود؛ در دورهای که جنوب لبنان در تبعیض و حاشیه‌نشینی می‌سوخت و هویت شیعی در جست‌وجوی صدایی بود که از زیر آوار سال‌ها طرد و برابری برخیزد. او در خانواده‌ای مذهبی و پایبند به سنت‌ها پرورش یافت و از کودکی بارنچ‌های طایفه و آثار جنگ داخلی خو گرفت. در همان سال‌ها، نخستین یورش‌های رژیم صهیونیستی بر لبنان، منظره سرزمین و کرامت مردمانش را دگرگون کرد و در ذهن او نقش بست. هم‌زمان با این تحولات، شهید جوان شاهد طلوع انقلاب اسلامی در ایران بود؛ انقلابی که ندای امام‌محمینی، امید و جرأت تازه‌ای به نسل او بخشید و برای جوانان لبنانی، حکم قبله‌نمایی داشت که آنها را از دوران انتظار به عصر ابتکار و خیزش هدایت کرد. نسل دهه ۶۰ میلادی تنها یک دوره گذرا در تاریخ لبنان نبوده؛ نسلی بود که رنجه‌ا ن را روز داد و به بدر شکل‌گیری مقاومت بدل ساخت. شهید فرمانده نیز یکی از همین چهره‌ها بود؛ کسی که از درد هویت به راه آزادی رسید. با گشوده شدن افق فهم او نسبت به معنای جهاد، حضورش در صفوف مقاومت آغاز شد؛ آن هم زمانی که هنوز در جوانی می‌درخشید. او آسایش را کنار گذاشت و میدان‌های نبرد را برگزید؛ درباهای خطر را یکی پس از دیگری پیمود و شوقی درونی به شهادت به او نیرویی بی‌پایان می‌بخشید. دهه

۸۰ میلادی برای شیعیان لبنان از سخت‌ترین سال‌ها بود؛ همان شرایط سخت، روح او را چون فولاد صیقل داد و درونش را به‌ارادای استوار بدل کرد. محروचित سال ۱۹۸۶ تنها یکی از نشانه‌های مسیر پرفرازونشیب او بود؛ جراحی که به‌جای توقف، مهر تازه‌ای بر صداقت پیمانش با مقاومت شد. با وجود همه فشارها او نه عقب نشست و نه به سازش تن داد، بلکه با اراده‌ای قوی‌تر بازگشت تا راهی را که آغاز کرده بود تا انتها طی کند؛ راهی که می‌دانست پایانش، آغازی دیگر در عرصه جاودانگی است. چنین بود که رنجه‌ا و زخم‌ها، شخصیتش را در آتش سختی‌ها پختند و از او فرمانده‌ای ساختند که طعم شکست را نمی‌شناخت و عاشقی که شهادت را کمال پیروزی می‌دید.

پدر تان را «فرمانده نوار» می‌خواندند، این سمت چه مفهومی داشت؟

در میانه دهه ۹۰ میلادی تا اواخر آن، «فرمانده نوار» بودن صرفاً یک منصب نبود؛ این عنوان نمادی از جایگاهی پیشرو در خط آتش و مسئولیتی آکنده از خطر بود. در آن روزگار، زمین جنوبی لبنان زیر بار اشغال و خون می‌سوخت و عملیات مقاومت هر لحظه شعلهور می‌شد. شهید فرمانده که مسئولیت فرماندهی نوار مرزی اشغالی در صفوف حزب‌الله به او سپرده شده بود، بار امنیتی و نظامی یکی از حساس‌ترین مناطق را به دوش می‌کشید. در زمانی که سربازان دشمن در وضعیت فرسایش روحی و عملیاتی قرار داشتند، کمین‌ها در کمین هر گشت بودند و مین‌ها زیر هر جاده انتظار می‌کشیدند. فرماندهان اسرائیلی را «کاپوس جنوب» سخن

می‌گفتند؛ کاپوسی که ادامه آن برای تل‌آویو به بار سنگینی بدل شده بود. در این دوره، مقاومت از گروه‌های کوچک به ساختاری منسجم و استوار تبدیل شد که زمام ابتکار عمل را در اختیار داشت و شهید فرمانده یکی از برجسته‌ترین چهره‌ها در نوار مرزی بود؛ کسی که زمین را واجب به وجب می‌شناخت و از دل خطر، عملیات‌هایی را طراحی می‌کرد که رعب می‌آفرید و سلطه دشمن را می‌شکست. به این ترتیب، لقب «فرمانده نوار» تنها یک عنوان تشریفاتی نبود، بلکه نشانه ناخدایی بود که کشتی مقاومت را در دریای از خون و کرامت هدایت می‌کرد.

ایشان چگونه در تشدید ضربات امنیتی مقاومت، از انفجار بمب‌ها تا حذف فرماندهان دشمن و عوامل آن سهم داشتند؟

در سال‌هایی که شهید فرمانده مسئولیت نوار مرزی را بر عهده داشت، نقش او فراتر از مدیریت میدانی عملیات‌ها بود. او به عصبی امنیتی و پوینده در ساختار مقاومت تبدیل شده بود، جایی که برنامه‌ریزی‌هایش با بصیرت حاج عماد مغنیه تاقی و ضربات کیفی خلق می‌کرد که مسیر مقاومت را دگرگون ساخت. شهید فرمانده مغز متفکر پشت سلسله عملیات‌هایی بود که پایه‌های اشغال را لرزاندند؛ از انفجار بم بر جمیعون که فرماندهان دشمن را هدف گرفت تا تارو افسر اسرائیلی «پرز غیرشتاین»- یکی از نامدهای برجسته هماهنگی‌های امنیتی در نوار اشغالی - عملیاتی که صهیونیست‌ها آن را «پیدارباشی برای تل‌آویو» خواندند. او همچنین در عملیات شهیدانتحاری عمار حمود نقش داشت، عملیاتی که مفهوم فداکاری را در قلب معادله نبرد بر جسته کرد و در نظارت بر عملیات پایگاه

«وضع عرمتی» که شوکی نظامی به صفوف دشمن وارد ساخت، سهیم بود. عملیات‌های او صرفاً پاسخ‌های آنی نبود، بلکه پیام‌هایی راهبردی بود که با خون نوشته و به زبان آتش خوانده می‌شد. در آن سال‌ها، ضربات امنیتی مقاومت به اوج بی‌سابقه‌ای رسید و شهید فرمانده یکی از معماران این تصعید بود؛ کسی که هر عملیات را با ابعادای راسخ امضا می‌کرد و می‌دانست آزادی هر گز بخشیده نمی‌شود، بلکه بازپس گرفته می‌شود.

حضور در «کمین انصاریه» از حماسه آفرینی‌های شهید هزیمه است، نقش ایشان در این کمین تاریخی چه بود؟

کمین انصاریه یکی از نقاط سرنوشت‌ساز در تاریخ عملیات‌های امنیتی مقاومت بود و شهید فرمانده در کنار حاج عماد مغنیه، مغز متفکر این عملیات به‌شمار می‌رفت. در این کمین، دقت نظامی و مهارت راهبردی با هم درآمیختند تا دشمنی که گمان می‌کرد زمین از مقاومت خالی است و هدف آسانی خواهد یافت، در تله‌ای حساب‌شده گرفتار شود، اما حقیقت چیز دیگری بود؛ دشمن خود هدف اصلی بود؛ کسی که مغرورانه وارد میدان شد و لحظه‌ای تلخ دریافت که به شکار مقاومت بدل شده است.

این کمین تنها یک عملیات نظامی نبود، بلکه جهشی کیفی در شیوه‌های کار امنیتی مقاومت محسوب می‌شد؛ جایی که ابتکار عمل از دست دشمن گرفته و به رزمندگان مقاومت منتقل شد. شهید فرمانده نقش محوری در طراحی دقیق این عملیات داشت و با اقدام‌های حساب‌شده‌اش، موازنه نبرد را به سود مقاومت تغییر داد و پیروزی امنیتی‌ای رقم زد که در آن زمان انتظارش نمی‌رفت.

در مورد «کمین انصاریه» بیشتر توضیح بدهید.

در پنجم سپتامبر ۱۹۹۷، حزب‌الله کمین کیفی انصاریه را

شهید هزیمه در حال مصافحه با حاج‌نایب سلیمانی

دگرگون کند.

بله، پس از جنگ جولای ۲۰۰۶، رهبری و تأسیس واحد اطلاعات حزب‌الله به شهید فرمانده سپرده شد. هدف او ایجاد دستگاهی قوی و مؤثر بود که مقاومت بتواند در هر درگیری یا جنگ آینده به آن تکیه کند و توازن قوا را به سود خود تغییر دهد. شهید فرمانده این واحد را توسعه داد تا اطلاعات را با دقت جمع‌آوری و تحلیل کند و در لحظات حساس، ضربات کوبنده‌ای به دشمن وارد سازد. آموزش کارکنان، تجهیز به روش‌های نوین تکنولوژیک و تاکتیکی و تمرکز بر عملیات دقیق پشت خطوط دشمن، باعث شد این واحد به بازوی مهم و مؤثر مقاومت تبدیل شود. به لطف رهبری او، واحداطلاعات همواره یک قدم جلوتر از دشمن بود و جایگاهی برجسته در استراتژی کلی مقاومت پیدا کرد، جایی که دشمن از هر حرکت آن بیمناک بود.

چگونه این واحد به دشمنی قوی برای صهیونیست‌ها تبدیل شد؟

به لطف رهبری استثنایی و دیدگاه ژرف شهید فرمانده، واحد اطلاعات حزب‌الله به «کشتی‌ای در دریای طوفانی» بدل شد که چالش‌ها و تهدیدات ننوانستند آن را از حرکت بازدارند. او با دانش عمیق امنیتی و هدایت موشمندانه، این واحد را وارد جنگ اطلاعاتی جامع کرد که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ ادامه داشت و واحد را به یکی از مؤثرترین سلاح‌های مقاومت تبدیل کرد. با بهره‌گیری از روش‌های نوین تکنولوژیک و استراتژی‌های خلاقانه، شهید فرمانده این واحد را به دستگاهی غیرقابل نفوذ بدل کرد؛ تخصص آن در عملیات پشت خطوط دشمن، شناسایی اهداف استراتژیک و هدایت ضربات اطلاعاتی دقیق بود و حتی دشمن اسرائیلی آن را تهدیدی وجودی می‌دانست. واحداطلاعات تحت رهبری او مانند کشتی‌ای مستحکم در دریای سهمگین منطقه عمل می‌کرد؛ تعامل خود را حفظ می‌کرد و تبدیل به سنگبنای استراتژی‌های مقاومت شد.

حضور او چه تأثیری در نبردهای آزادی‌بخش دوم از القصر تاالبادیه و جنوب سوریه بر جای گذاشت؟ حضور شهید فرمانده در نبردهای آزادی بخش دوم حضوری تعیین‌کننده بود و اثری ماندگار بر جریان میدانی و نتایج مقابله گذاشت. به لطف تجربه‌های میدانی و امنیتی، واحد اطلاعات تحت رهبری او به یکی از ستون‌های مقاومت در خاک سوریه بدل شد. در نبرد القصر سال ۲۰۱۳، این واحد نقش محوری در درک توپوگرافی میدان، رصد تحرکات دشمن و شناسایی نقاط ضعف داشت و پیشروی نیروهای مهاجم را تسهیل کرد. در لوطوه و دشت الغاب، حضور او در برنامه‌ریزی و اجرای عملیات‌های کیفی، ازآداسازی مناطق مهم را ممکن ساخت. در رعا و جنوب سوریه نیز هماهنگی میان تلاش‌های اطلاعاتی و میدانی تحت رهبری او تهدیدهای عمق سوریه و مرز لبنان را خنثی کرد.

حضور شهید فرمانده تجسم ترکیب دانش امنیتی و بینش نظامی بود؛ سازنده سپیده در تاریکی نبردها و کسی بود که ابتکار عمل را در دست می‌گرفت و آشوب را به پیروزی تبدیل می‌کرد.

در نهایت، شهادت ایشان چگونه به نقطه‌ای از الهام برای مجاهدان تبدیل شد و فصل جدیدی در تاریخ مقاومت رقم زد؟

شهادت شهید حاج‌مر تفضی نقطه‌ای الهام‌بخش در سیره مقاومت شد، نه تنها به خاطر فداکاری بی‌نظیر او، بلکه به دلیل اینکه روحی جاودان و عزم راسخ را در قلب مجاهدان کاشت. شهادت او معنای تازه‌ای به شجاعت داد و اعمالش در میدان‌های نبرد چراغ راهی شد برای کسانی که مسیر جهاد را دنبال می‌کنند. از دست دادن او صرفاً از دست دادن یک فرمانده نبود، بلکه تولدی دوباره روح مقاومت بود؛ روحی که مرزهای زمان و مکان را درمی‌نورد. زندگی و فداکاری‌هایش نماد وفاداری به اصول و تلاش مستمر برای آزادسازی زمین و دفاع از امت بود. حتی در لحظه شهادتش، فراتر از مرزهای مرگ زندگی کرد و نقطه عطفی تاریخی که محرک برای مجاهدان جدید در سراسر جهان شد. شهادت او پلی میان نسل‌ها شد؛ مجاهدان در فلسطین، عراق، یمن، ایران و لبنان او را انصاف‌مجاهدی می‌دانند که هرگز معامله نمی‌کند. هر نبرد امروز، یادآور مسیر اوست و هر گامی که سوی پیروزی، نمایی از ادامه شجاعت و حکمت اوست. شهادت او نشان داد که مقاومت محدود به زنده‌ها نیست، بلکه ایمانی است فراتر از مرگ؛ مسیر او ادامه دارد و سیره او داستانی بی‌پایان و حافظه‌ای ابدی است که هر مقاومتی را در برابر ظلم الهام می‌بخشد.

دگرگون کند.

کمین انصاریه یکی از نقاط سرنوشت‌ساز در تاریخ عملیات‌های امنیتی مقاومت بود و شهید هزیمه در کنار حاج عماد مغنیه، مغز متفکر این عملیات به شمار می‌رفت. در این کمین، دقت نظامی و مهارت راهبردی با هم درآمیختند تا دشمنی که گمان می‌کرد زمین از مقاومت خالی است و هدف آسانی خواهد یافت، در تله‌ای حساب‌شده گرفتار شود و ۱۲ کماندوی صهیونیستی به درک واصل ششوند

پس از آزادسازی جنوب لبنان، حزب‌الله در منطقه شعیبا عملیاتی کیفی اجرا کرد و سه سرباز اسرائیلی را به اسارت گرفت. این عملیات، بخشی از فشار مقاومت برای آزادی اسرای لبنانی بود و مهارت فرمانده در انتخاب هدف و اجرای دقیق عملیات را نشان داد. در عملیات الفجر (۲۰۰۵) نیز حزب‌الله در مرز لبنان و فلسطین در الفجر عملیات کیفی انجام داد. اگرچه به اسارت سربازان منجر نشد، اما ضربه قابل توجهی به دشمن وارد کرد و توانمندی مقاومت در تمحیل واقعیت میدانی را به نمایش گذاشت. تمامی این عملیات‌ها نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی و رهبری دقیق شهید فرمانده بودند.

گفته می‌شود که پس از جنگ ۲۳ روزه، حضور شهید هزیمه توانست واحداطلاعات حزب‌الله را

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۷۵

۶	۷		۴		
۸	۵		۶		۲
			۷	۵	
۴	۶				
	۹		۱		
			۵	۸	۳
			۱	۷	
		۹	۷	۱	
					۳

جدول سودوکو
◀
ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به‌کار روند.

▶
جدول کلمات متقاطع

◀
پاسخ جدول شماره ۷۴۷۴

۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸